

مترجمان و گردآورندگان:
فرزام کریمی - صفورا جمالی (سوریا)

پوچی همراه من است...

لئونارد کوهن

برنده جایزه ماه، سخت آستوریاس ۲۰۱۱



ناشر: نشر سپهر

تهران - ۱۳۹۸

سرشناسه: کوهن، لئونارد، ۱۹۳۴ - م.

Cohen, Leonard

عنوان و نام پدیدآور: پوچی همراه من است / لئونارد کوهن؛

مترجمان و گردآورندگان فرزام کریمی، صفورا جمالی (سوریا)

مشخصات نشر: تهران: نشر سیب سرخ، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۱۱۰ ص

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۴۲-۶۰-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Book of mercy

موضوع: ناملا

موضوع: Meditations

شناسه افزوده: کریمی، فرزام، ۱۳۶۰، مترجم

شناسه افزوده: جمالی، سوریا، ۱۳۷۵-، مترجم

رده بندی کنگره: B۷۷۰۲۲/۲

رده بندی دیویی: ۲۹۶/۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۴۷۴۶۴

پوچی و پند من است

نویسنده: لئونارد کرهن

مترجمان: فرزاد کریمی و سوزان جمالی

صفحه آرایی: رقیه قنبری تقدیس

ویراستار: شهریار وقفی‌پور

مدیر هنری و طراح جلد: ناصر نصیری

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۸

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سازمان چاپ تهرانی

حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۴۲-۶۰-۲

نشر سبب سرخ

تهران، خیابان انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ پارسا، پلاک ۱۰۳

۶۶۹۷۳۱۸۳ ۶۶۹۷۲۹۷۶

www.nashresibesorkh.ir



فهرست

۷	سخن منم
۱۶	درباره‌ی نویسنده
۳۵	از خاص‌ترین تا محبوب‌ترین
۵۱	پوچی همراه من

www.ketab.ir

سخن مترجم

متد یا روشی که در ترجمه این اثر استفاده شده است متدی مابین متد ترجمه تحت اللفظی و مفهومی است شاید از خود پرسید که ترجمه تحت اللفظی و ترجمه مفهومی به چه نوع ترجمه‌هایی می‌گویند بنابراین لازم است در سخن مترجم توضیح کوتاهی در این باره بیاورم:

(۱) ترجمه‌ی لغت به لغت:

در این روش واحد ترجمه کلمه است به این معنا که هر کلمه‌ای که در متن مبدأ آمده است؛ یک کلمه‌ی معادل در زبان مقصد انتخاب گرفته شود. به طور مثال زمانی که می‌گوییم deep structure به معنای ژرف ساخت طبیعی است که می‌توانیم از ترجمه لغت به لغت استفاده کنیم اما به ندرت چنین جمله‌ای را به صورت کلمه به کلمه ترجمه کرد زیرا در موارد زیادی ساخت دستوری زبان مبدأ و مقصد با یکدیگر متفاوت است و ترجمه‌ی کلمه به کلمه موجب جابه‌جا شدن فعل با سایر اجزای جمله می‌شود و در نتیجه جمله‌ی حاصله در زبان مقصد از لحاظ ساخت دستوری نادرست به حساب می‌آید.

ترجمه لغت به لغت همان قدر احمقانه است که رعایت اوزان عروضی در

قالب‌های کلاسیک مانند غزل و قصیده و... چرا که هر آن چه که به کار گرفته می‌شود باید زیرساختی فلسفی - معنایی و بنیانی استوار داشته باشد. این که شما بخواهید برای هر واژه معادلی را ذیل همان واژه بگنجانید اولاً بیش تر نوعی دیکتاتوریزم را برای مترجم به بار می‌آورد که حتماً باید ذیل کلمه انگلیسی معادل فارسی آن را بنویسد و حق هیچ گونه جابه جایی واژگان را ندارد و تنها یک قانون یکم فرماست و آن هم قانون یک به یک در انتخاب معادل برای واژه است. این روش کهنه نه تنها آزادی مترجم در انتخاب معادل و حتی در جابه جایی واژگان را می‌گیرد. بلکه نوعی دیکتاتوریزم را به او تزریق می‌کند که شما آلت دست من هستید. با وجود این که بسیاری از محققان و پژوهشگران زبانی به این امر دست یافته اند اما هنوز در سیستم آکادمیک ایران ترجمه لغت به لغت تدریس می‌شود و همین امر موجب شده خروجی های دانشگاه ایران را ترجمانی تشکیل دهند که در اثر تشکیلات دیکتاتوری بر روی ذهنشان و اجبار ترجمه‌ی لغت به لغت هنوز ساختار و بافت ذهنی‌های شان روان نیست و با خود در میان سهولت و دربند بودن گرفتارند مانند این همه شاعری که هنوز نمی‌دانند چرا این قدر باید در اوزان عروضی گیر کنند؟ ادبی شعری اوزان عروضی نداشته باشد به لحاظ ساختار زیبایی شناسی، روایت، قافیه، تخیل، شاعرانگی و... بی ارزش است؛ پس چگونه است که بهشت گم شده - از این بین هنوز یکی از فاخرترین آثار جهانی است؟ و هنوز سرایش شعر بر مبنای همان ترانه عروضی چه معنایی دارد؟ آن هم زمانی که بهترین ها از زبان حافظ، مولانا، سعدی، بیدل، صائب، غنی کشمیری، شمس تبریزی، طرزی افشار و... سروده شده و متعلق به همان قرن هفتم است و یا در موسیقی مان این همه تأکید بر دستگاه قجری و تکرار همان ها به چه معناست چند بار دیگر باید اشعار بر مبنای همان دستگاه قجری و با رعایت اوزان شعر باید خوانده شود تا ما متوجه شویم راه نوآوری و خلافت از این دستگاه قجری نمی‌گذرد؟ و همان زمان موسیقی فولکلور ما

سرکوب شد و کسانی نظیر عاشورپور، پوررضا، جفرودی، حاج قربان سلیمانی، خالوقنبر راستگو، عثمان خوافی و... وقتی برای ضبط آثارشان که سرشار از نوآوری و خلاقیت و بازگشت به اصل بوده است و از دل فرهنگ کوچه و محلات می‌آمد و ریشه در افسانه‌ها و روایات ایرانی داشت سخیف شمرده می‌شد. هر سه‌ی این مثال‌ها در ترجمه ادبیات و موسیقی ما نشانگر انسداد فرهنگی و نوعی برداشت سطحی جاهلانه و عدم درونی شدن آن‌ها به تعبیر ابراهیم گلستان است که ما حاصلش جز بازتولید روشنفکری پوشالی و تشدید دیکتاتوریزم برایمان به ارمان نرورده است حتی اگر به فرهنگ غرب هم نگاهی بیندازیم زمانی که آبراهام کولی، شاعر انگلیسی قرن هفدهم، شخصی است که اشعار پیندار شاعر کلاسیک یونانی را به انگلیسی ترجمه کرده است. تا آن زمان اصولاً همه پای‌بند به ترجمه «لغت به لغت» بودند و کولی که این سنت را شکسته بود سخت مورد انتقاد واقع شد. که در پاسخ به این انتقادات می‌گوید:

«هر کسی شعرهای پیندار را دست به لغت ترجمه کند بدان می‌ماند که دیوانه‌ای سخن دیوانه‌ای را نقل کرده باشد. بنابراین در ترجمه‌ی آثار او، من آن چه را خواسته‌ام به متن افزوده‌ام و آن چه را که نخواست‌ام حذف کرده‌ام.»

در مورد آثار لئونارد کوهن بنده این روایت را به جرئت تأیید می‌کنم. لئونارد کوهن که پیش از آن که به عنوان موزیسینی شناخته شود، یک مان‌نویسی قهار بوده است؛ اگر برای ترجمه‌اش از ترجمه‌ی لغت به لغت استفاده می‌کرد جفای مسلم در حق نویسنده است؛ چرا که محدود نویسندگانی نظیر بکت را دست‌انداز داریم که آن قدر نثرشان پر محتوا و روان بود که واقعاً اضافه کردن هر چه از جانب مترجم به نوشته‌هایش جفا محسوب می‌شود. همان گونه که بکت خود را اظهار می‌کند که از مترجمان خواهش می‌کنم که در آثار من دست به ترجمه‌ی مفهومی نزنند؛ اما در آثار کوهن این قضیه برعکس است که در ادامه به توضیح آن خواهیم پرداخت و این که از چه فرمی و به چه علتی در ترجمه بهره جسته‌ام. اما بدانید آثار لئونارد کوهن به لحاظ عمق بر سه پایه استوار است:

۱- روابط فردی و شخصی

۲- دین و مذهب

۳- عرفان بودایی

زندگی پرفراز و نشیب و حس مسئولیت او که به موجب فقدان پدرش در کودکی بود و خلأ و کمبود عاطفی که مانند افسردگی همیشگی همراه او بوده است، حرکت از مسیحیت به یهودیت و بودیسم و دستیابی به نوعی عرفان بودایی که حتی در کلام بسیاری از ترانه‌هایش و حتی در رمان‌ها و نوشته‌هایش موج می‌زند.

۲) ترجمه تحت‌اللفظی:

ترجمه تحت‌اللفظی یکی از شیوه‌های ترجمه است که در آن بر روی ساختار زبانی متن مبتداً تمرکز می‌شود. در ترجمه تحت‌اللفظی به قواعد نشانه‌گذاری، کاربردشناختی و نحوی در زبان مقصد توجهی نمی‌شود و ترتیب واژه‌ها از ترتیب‌شان در متن، دست‌نخورده می‌ماند. در این نوع ترجمه فهم عبارت‌های اصطلاحی در ترجمه حاصل می‌گردد و دشوار باشد و تفسیر و توضیح لغت‌ها می‌تواند به روشن‌سازی مفهوم ترجمه کمک کند. هرچند ترجمه تحت‌اللفظی در ترجمه متون رواج ندارد و برای خواننده‌ای که به دنبال ترجمه‌ای دقیق و باکیفیت است، توصیه نمی‌شود، اما برای شناختن ساختارهای زبانی بسیار مناسب است. این نوع ترجمه را نباید با ترجمه واژه‌به‌واژه که در آن تنها واژه‌ها ملاک ترجمه هستند (و نه مفهوم‌شان در ساختار جمله متن مبدأ) اشتباه گرفت؛ حاصل یک ترجمه واژه‌به‌واژه ممکن است معنادار نباشد، چرا که مفهوم هر زمان ترجمه مورد توجه نیست.

۳) ترجمه مفهومی:

در این مرحله دیگر واحد ترجمه کلمه و جمله نیست بلکه مفهوم کلی است. ترجمه مفهومی در موارد زیر ضروری است:

وقتی که ترجمه تحت‌اللفظی جمله یا عبارت در دست ترجمه از لحاظ

دستوری یا از لحاظ معنایی در زبان مقصد نامانوس یا نامفهوم باشد؛ از این رو مترجم باید با برابریابی دستوری و معنایی که دو ویژگی ترجمه مفهومی است، متن را ترجمه کند. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

He knew that he could not walk anymore

(الف) می‌دانست که دیگر نمی‌توانست راه برود.

(ب) می‌دانست که دیگر نمی‌تواند راه برود.

ترجمه‌ی الف تحت‌اللفظی است و ساخت دستوری آن با ساخت جمله‌ی مقصد مطابقت دارد. اما این جمله به رغم معنی دار بودن در فارسی فصیح درست به حساب نمی‌آید زیرا برخلاف قواعد دستوری رایج در زبان فارسی است؛ یعنی فعل جمله‌ها پایانه و پیرو از نظر زمانی با یکدیگر مطابقت ندارند.

در ترجمه‌ی ب، سه مم از نظر معنا و هم از نظر ساخت دستوری درست است. برابریابی دستوری صورت گرفته است؛ یعنی یافتن قالبی دستوری که برای بیان همان مفهوم در فارسی به کار گرفته می‌شود؛ وجه تمایز آن با ترجمه تحت‌اللفظی همین است.

He gave me a nasty look

(الف) نگاه کثیفی به من انداخت.

(ب) چپ‌چپ نگاهم کرد.

در این مورد هم ترجمه‌ی الف تحت‌اللفظی است، به این معنا که معنای تک تک کلمات انگلیسی در آن حفظ شده است. اما در ترجمه‌ی ب مفهوم کلی (بدون توجه به معنای تحت‌اللفظی کلمه‌ی nasty) حفظ شده است؛ در این جا برابریابی معنایی صورت گرفته است.

وقتی که مفهوم کلی عبارت یا جمله در دست ترجمه نه به معنای تک‌تک کلماتی که در آن آمده است بلکه به مفهوم خاصی بستگی داشته باشد که این مجموعه به ذهن خواننده متبادر می‌کند؛ از آن جمله است ترجمه‌ی

ضرب‌المثل‌ها، عبارات تشبیهی، استعاری، اصطلاحی و غیره. به نمونه‌ی زیر توجه کنید:

Do as Romans while in Rome

الف) در رم مثل رمی‌ها باش.

ب) خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو!

در این مورد ترجمه‌ی الف تحت‌اللفظی است زیرا با وجود این که هر کلمه‌ی آن به یک معادل ترجمه شده و از لحاظ دستوری هم ایرادی ندارد اما فاقد مفهوم حقیقی این ضرب‌المثل انگلیسی است؛ چنان که خواننده با خواندن آن متوجه نمی‌شود که مفهوم آن برابر است با خواهی نشوی رسوا؛ هم‌رنگ جماعت شو! حال در ترجمه‌ی ب، چه نظریه‌پردازانی هم وجود دارند که نظریاتی قابل تامل در این زمینه از حرمانده‌اند که مرووری اجمالی بر آن‌ها در جهت فهم بیشتر و بهتر می‌تواند برای مخاطب سودمند باشد. همان‌طور که پیش‌تر در مورد آبراهام کولی به عنوان کسی که با ساختار شکنی از ترجمه‌ی لغت به لغت گریخته بود اشاراتی داشتیم. بعد از این ساختار شکنی او، آیدن شاعر انگلیسی هم عصر کولی در نقد ترجمه‌ی کولی، دست به تقسیم‌بندی آن‌ها به ترجمه‌ی می‌زند و ترجمه‌ی کولی را در یکی از این دسته‌ها قرار می‌دهد و آن را ترجمه‌ی جعلی و ساختگی یا به اصطلاح تقلید (imitation) می‌نامد. در آیدن ترجمه‌ی برابر سه قسم می‌داند:

۱- metaphrase: کلمه در برابر کلمه و عبارت در برابر عبارت قرار می‌گیرد (بنابراین فقط صورت حفظ می‌شود).

۲- paraphrase: ترجمه‌ای که مترجم مفهوم اصلی متن را در نظر دارد و برای رساندن این مفهوم گاه تفسیرهایی بر آن می‌افزاید (بنابراین مفهوم حفظ می‌شود اما صورت نه).

۳- imitation: مترجم نه به کلمه وفادار است و نه به مفهوم، بلکه فقط برای حفظ «روح کلی مطلب» آن‌هم به گونه‌ای که خود دریافته، هرگونه تصرفی در متن به عمل می‌آورد و ترجمه‌ی کولی از این دسته است.